



شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

۳۳۷-۳۴۲

زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۸/۱

زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۳/۱۲

تبیین روش‌های طراحی زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی در معماری ایران (نمونه مطالعاتی:

اثرهایی شاخص با دوره‌های زمانی متفاوت از معماری شهر تهران)

علی اکبر اکبری - دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، قزوین، ایران

کاوه بذرافکن* - استادیار گروه معماری دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران

فرهاد تهرانی - دانشیار گروه معماری دانشکده معماری و شهرسازی شهید بهشتی تهران، تهران، ایران

حسین سلطانزاده - دانشیار گروه معماری دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران

چکیده

Conceptualism and Regionalism Planning Methods in the Iranian Architecture (Case Study: Distinctive Works of Different Eras in Tehran Architecture)

Abstract

Event between architecture and earlier context is one of the most important issues in the field of architecture and urban planning. The issue originate from the ancient thinking about placement of building in vicinity of the adjacent ones. Concerning the valuable concepts, one may achieve worthwhile architecture tailored to its cultural and historic as context, through the reading of historical, cultural and social text. In this study, we are going to define the context and explain planning methods such as conceptualism and regionalism, which are direct response to planning background. In next section valuable buildings of different eras (from the first Pahlavi to modern times) have been selected, in order to recognize the time architects approaches to the context. In addition, the earlier context impressibility would be investigated in these buildings. The main problem of the study is the proof of the distinction between regionalism and conceptualism approaches. Research method is proportional to the hypotheses, i.e. analytical-comparative method. Data collection method and the instrument for achieving theoretical bases of the study including data related to backgrounds and approaches such as regionalism and conceptualism was library studies. Then analytical and comparative studies were applied to analyze the case studies, along with presence in the environment, field studies and photography. The results of the study reveal that regionalism and conceptualism planning methods are distinctive. That is conceptualism acts on smaller scale relative to the site and its neighborhood and regionalism acts in larger scale, at national and regional levels.

Keywords: Context, Conceptualism, Regionalism, Indigenous materials

رخداد بین معماری و زمینه پیشین یکی از موضوعات بسیار مهم در عرصه معماری و طراحی شهری است. این مبحث از تفکرات دوران باستان از قرارگیری بناها در ارتباط با بناهای مجاور سرچشمه می‌گیرد. در زمینه‌های با ارزش می‌توان با استفاده از خوانش متن تاریخی، فرهنگی و اجتماعی مورد نظر به طراحی معماری ارزشمند و متناسب با زمینه فرهنگی و تاریخی آن دست یافت. در این پژوهش قصد داریم که در قسمت نخست به تعریف زمینه و همچنین روش‌های طراحی چون زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی که واکنشی مستقیم به بستر طراحی هستند بپردازیم. در قسمت دوم با انتخاب بناهایی ارزشمندی از دوره‌های زمانی متفاوت (از دوره پهلوی اول تا به امروز) از شهر تهران، سعی در شناسایی رویکرد معماران در این دوران نسبت به زمینه و همچنین میزان تأثیرپذیری زمینه‌ی گذشته در این بناها را داریم. اثبات تمایز بین دو رویکرد زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی مسأله اصلی این پژوهش است. روش مورد استفاده در پژوهش حاضر متناسب با فرضیه‌های تحقیق از نوع، تحلیلی-تطبیقی است. بدین صورت که برای دستیابی به مبانی نظری پژوهش که شامل اطلاعات مربوط به زمینه و رویکردهایی چون زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی است، از روش‌های کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. سپس با استفاده از روش تحلیلی و تطبیقی و از طریق حضور در فضا و تحقیقات میدانی و عکسبرداری به تجزیه و تحلیل نمونه‌های موردی پرداخته می‌شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که روش‌های طراحی زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی متفاوت از یکدیگر عمل می‌کنند به این صورت که: زمینه‌گرایی در مقیاس کوچکتر نسبت به سایت و همسایگی‌های آن و منطقه‌گرایی در مقیاس بزرگتر و در حد ملی و منطق‌های عمل می‌کند.

واژگان کلیدی: زمینه، زمینه‌گرایی، منطقه‌گرایی، مصالح بومی.

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «تبیین نقش زمینه در فرم معماری و تدوین طیفی برای روش‌های طراحی منتج از زمینه (نمونه موردی: زمینه‌های با ارزش در شهرهای تاریخی ایران)» است، که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، تحت راهنمایی دکتر کاوه بذرافکن و دکتر فرهاد تهرانی و مشاوره دکتر حسین سلطانزاده در حال انجام است.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۲۰۲۱۰۱۰؛ رایانامه: kavehbazrafkan@gmail.com

مقدمه

آینده بخشی از تاریخ شهرها را تشکیل خواهد داد. ساختارهای جدید که بیانگر تاریخ هنر و معماری هر دوره خاصی است، به حکم پویایی و حیات یک شهر زنده، در شهرها جلوه می‌کند. مراکز تاریخی شهرها، تشکیل‌دهنده پویای زمان حال و نه به عنوان یک موضوع مطالعه ایستا و جذب توریست، مورد تحقیق و مطالعه قرار گیرد. لذا مخالفت با احداث ساختارهای جدید در واقع توقف حیات شهر و یا سوق پویایی آن به سمت ایستایی به شمار می‌رود (قدیری، ۱۳۸۵). تشریح بناهای انتخاب شده از شهر تهران و تعریف زمینه و روشهای طراحی زمینه گرای، منطقه گرای جزء اهداف مروری پژوهشگر در رابطه با این موضوع است. دسته بندی و میزان تأثیر زمینه ی گذشته در این بناها (میزان زمینه گرای و منطقه گرای) جزء اهداف کاربردی است. مسأله اصلی نگارنده اثبات تمایز بین دو رویکرد زمینه گرای و منطقه گرای است که به اشتباه در پژوهش های گذشته درباره این موضوع به صورت مشترک تعریف و تحلیل میشوند. پرسشهای پیش روی این پژوهش عبارتند از: ۱. پرسش نخست: چه تفاوتی بین رویکرد زمینه گرای و منطقه گرای در برخورد با زمینه پیشین وجود دارد؟ ۲. پرسش دوم: برخورد چهار بنای شاخص معماری ایران نسبت به زمینه پیشین بر اساس معیار زمینه گرای و منطقه گرای چگونه بوده است؟ فرضیههای این پژوهش: ۱- رویکرد زمینه ای بیشتر مربوط به همسایگی های سایتی است، که قرار است بنای جدید در آن قرار بگیرد. ولی در رویکرد منطقه گرای مقیاس بزرگتر و در حد منطقه ای و ملی دیده میشود، که الگوهای اقلیمی و معماری گذشته آن سرزمین در آن تأثیرگذار هستند؛ ۲- به نظر میرسد هرچقدر زمان ساخت بناهای مورد نظر به زمان حال نزدیکتر میشود میزان تأثیرپذیری و احترام آنها نسبت به مباحث زمینه ای و منطقه ای در معماری کمتر می شود.

پیشینه تحقیق

پژوهش های پیشین در مورد این موضوع را می توان بر اساس خود موضوع به دو دسته تقسیم کرد:

دغدغه ای که همواره با پژوهشگر در مورد معماری معاصر وجود داشته، بحث برخورد یک اثر جدید با زمینه ای که قرار است در کنار آن قرار گیرد. همانطور که می دانیم مسأله برخورد با زمینه (context) در معماری امروز بسیار چالش برانگیز است. گروهی زمینه گرای و منطقه گرای را در معماری تأیید میکنند (مانند: حسن فتحی)، و گروهی دیگر هم هیچ توجهی به زمینه نمی کنند و زمینه را مقابل با نو بودن می دانند (مانند: رم کولهاس). رابطه با زمینه در معماری معاصر معقوله ی مهمی می باشد. همانطور که می دانیم در معماری سبک بین الملل زمینه نادیده گرفته می شود، اما در دوران معماری پست مدرن توجه به زمینه طراحی باز مورد توجه معماران قرار می گیرد، که پارادایم های زمینه گرای و منطقه گرای به عنوان واکنش مستقیم به زمینه طراحی مطرح می شوند. در معماری چند سال اخیر مفهوم برخورد با زمینه در کار معماران گویی تغییر کرده است به طور مثال موزه گوگنهایم بیلپاتو فرانک گهری در برخورد اول هیچ اثری از توجه به بستر و زمینه در طراحی آن دیده نمی شود، اما پس از اتمام طراحی این موزه یا شی هنری، این اثر باعث زنده کردن زمینه پیشینش (شهر بیلپاتو) می شود. اینک در این کشمکش برخورد معماری با زمینه عواملی همچون قدرت و کاپیتالیسم (سرمایه داری) سهم بسزایی را دارند. شهر به مثابه یک اندامواره زنده است که همواره بخشی از بناهای آن در اثر عملکرد عوامل مخل طبیعی (خواه بطئی و خواه آنی) و عوامل مخل انسانی در طی مرور زمان دچار فرسودگی و یا تخریب می شود. بر اساس قواعد حاکم بر هر اندامواره ای زنده، شهر نیز با زایش و ظهور بناهای جدید استمرار می یابد. تاریخ معماری و شهرسازی شهرها هیچ گاه به دوره خاصی تعلق نداشته و ندارد و شهر، بار تاریخی ادوار مختلف را به دوش می کشد و شواهد متعددی از تمدن های مختلف را برای نسل های آتی به ارمغان می آورد. در واقع شهر محصول دوره های تاریخی متعدد و ماحصل روابط خاص میان وجوه اجتماعی، فرهنگی، انسان شناسی، جغرافیایی و اقتصادی است. معماری امروز ما نیز در



روش تحقیق و توصیف مراحل انجام پژوهش

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر متناسب با فرضیه‌های تحقیق از نوع، تحلیلی-توصیفی است. بدین صورت که برای دستیابی به مبانی نظری پژوهش که شامل اطلاعات مربوط به زمینه و رویکردهایی چون زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی است، از روش‌های کتابخانه‌ای و توصیفی بهره گرفته شده است. سپس با استفاده از روش تحلیلی و تطبیقی در بررسی اطلاعات بدست آمده و با کمک جداولی که میزان زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی نمونه‌های موردی را مشخص میکند، به اثبات فرضیه‌ها پرداخته شده است. مراحل انجام پژوهش در ۴ مرحله انجام می‌شود:

مرحله اول: تعریف زمینه و رویکردهای مستخرج از آن یعنی زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی. در این مرحله از پژوهش با تأکید بر پیشینه‌های که از این تعاریف وجود دارد، سعی در شناسایی مؤلفه‌های اصلی این دو رویکرد شده است. معیارهای ارزیابی بناها در مراحل بعد بر اساس این دو رویکرد مشخص می‌شود. **مرحله دوم:** الف) انتخاب نمونه‌های موردی و توصیف آنها. انتخاب این نمونه‌ها کاملاً آگاهانه و بر اساس تاریخهای متفاوت و پراکندگی مناسب نسبت به نقشه تهران بوده است. ب) تعریف جداگانه‌ای از معیارهای زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی مورد نظر برای بررسی بر روی نمونه‌های موردی. **مرحله سوم:** تجزیه و تحلیل داده‌ها. میزان زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی نمونه‌های انتخاب شده به صورت جداگانه بر اساس درصد مشخص میشوند. **مرحله چهارم:** نتیجه‌گیری و اثبات فرضیه‌های پژوهش بر اساس اطلاعات بدست آمده از مراحل قبلی.

۱. دسته اول: منابعی که مربوط به تشریح بناهای معماری معاصر ایران است، که از آن جمله میتوان به کتابهای معماری معاصر ایران به تألیف امیربانی مسعود و همچنین کتاب سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران نوشته دکتر وحید قبادیان اشاره کرد.

۲. دسته دوم: به منابعی مربوط میشود که در مورد روش‌های زمینه‌گرایی، منطقه‌گرایی و گونه‌شناسی است.

«کاری یورماکا»^۱ (۲۰۱۳-۱۹۵۹) معمار، منتقد و مدرس فنلاندی کتابی را با عنوان «مقدماتی بر روش‌های طراحی معماری» را در انتشارات بیرخاوزر منتشر کرد. این کتاب در مورد روشهای طراحی معماری است که با توجه به مشخصه‌ی کتاب که موضوع را با حجم کم و اطلاعات قابل توجه ارائه کرده است، میتواند کتاب مفیدی باشد. این کتاب در ۸ فصل تهیه شده است که فصل ششم این کتاب با عنوان واکنش‌هایی به بستر، روش-های طراحی مرتبط با زمینه (زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی) را شرح داده است. ترجمه این کتاب به فارسی در سال ۱۳۸۹ توسط دکتر کاوه بذرافکن عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی انجام شده است. «برنتسی برولین»^۲ کتاب «معماری در زمینه-سازگاری ساختمان‌های جدید با قدیم» را در سال ۱۹۸۰ به چاپ رسانده است. شالوده اصلی کار برولین مانند دیگر آثار او، بیشتر بر تحلیل نمونه‌های (مطالعات موردی) موجود بوده و کمتر راه به تحلیل‌های تجربیدی تری می‌برد که از آن، اصول کلی منتج شود. این کتاب در سال ۱۳۸۶ توسط خانم راضیه رضازاده عضو هیأت علمی دانشگاه علم و صنعت به فارسی برگردانده شده است. «نوین تولایی» در مقاله‌ای با عنوان زمینه‌گرایی در شهرسازی که در سال ۱۳۸۰ در مجله هنرهای زیبا چاپ گردید، زمینه‌گرایی را به عنوان یکی از دیدگاه‌های رایج در شهرسازی نام برد. از دیدگاه تولایی زمینه‌گرایی ۳ گونه است: ۱- زمینه‌گرایی کالبدی؛ ۲- زمینه‌گرایی تاریخی؛ و ۳- زمینه‌گرایی اجتماعی و فرهنگی.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

۳۲۹

جدول ۱. روش و ساختار پژوهش؛ مأخذ: نگارنده.

دیدگاه نظری	زمینه- زمینه گرایی- منطقه گرایی
روش	تحلیلی- تطبیقی و استفاده از معیارهای زمینه گرایی و منطقه گرایی
نمونه موردی	چهار بنا با چهار دوره زمانی و عملکردهای متفاوت نسبت به هم.
نتیجه گیری	میزان تأثیرپذیری هر بنا نسبت به زمینه پیشین

زمینه

راز کل طراحی، قرار دادن آگاهانه یک ساختمان در جامعه ای که موجود است، میباشد (هاینز و تزل)^۲. زمینه (context) از واژه لاتین contextus ریشه گرفته و فعل آن contexere به معنای درهم بافتن و در هم تافتن است. در بستر شهر، به گونه ای قیاسی، می توان context را اتصال و هم نشینی میان بناها خواند (porter, 2004: 31). موضوع زمینه در سه عنوان مورد بحث قرار می گیرد:

۱. زمینه فرمی (formal context): به ویژه تصاویر و مناظر شهری و غیرشهری در رابطه با محل و محیط اطراف ساختمان
۲. زمینه بصری و احساسی (visual context)، بررسی، به ویژه در مفاهیمی از همفکری و همدلی.
۳. زمینه انسانی (human context) و سنت های فرهنگی، از قبیل سوالات درباره تزئینات و دکوراسیون (capon, 1999: 186).

بر اساس اینکه بناهای مورد بررسی نگارنده از دوره های زمانی متفاوتی در شهر تهران انتخاب شده اند که بعضی از این بناها به زمانی برمیگردند قبل از اینکه مباحثی با عنوان زمینه بصری/ احساسی و زمینه انسانی وجود داشته است، پس محور اصلی بررسی بناهای موجود از دوره پهلوی اول تا به امروز

بر اساس زمینه فرمی است. البته نمیتوان از زمینه های سیاسی و اجتماعی آن دوره که بر ساخت این بناها وجود داشته است، چشم پوشی کرد.

روش های طراحی وابسته به بستر

واژه انگلیسی روش (Method) از ریشه ی یونانی Methodos (meta، با یا مشترک + odos، راه). به مثابه راه های مشترک با داشتن راه های انجام کارها است، بنیاد روش در نظم های قابل تکثیر یا طبقه بندی واقع شده است که برای فهم و بهتر انجام دادن به کار گرفته می شود. روش تحقق یافتن [به انجام رسیدن] در گونه ای قاعده مند، رویه ای منظم، یا جایگشت سامان مند موضوعات است. روش به معنی طرز، طریقه، قاعده و قانون، راه، هنجار، شیوه، اسلوب، و تیره، نسق، منوال، سبک، طریق، گونه، سنت، نمط، رسم و آئین، نهج (لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۲۳۷۸). رویه (یا شیوه) ای برای دست یافتن به یک شی (ابژه)، یا فرم ویژه ای از یک رویه ی منطبق در شاخه ای از فعالیت فکری است؛ راه انجام هر چیز، با توجه به برنامه ای مشخص (oxford Advanced Dictionary, 2005: 963). رویه و فنون شاخص هر نظام مشخص یا زمینه ای از دانش (American Heritag Dictionary, 2005: 963). طراحی روندی ناهمگن است؛ رهیافت، راهبرد و روش شناسی. طراحی اغلب متأثر از تجارب شخصی، زمینه اجتماعی- فرهنگی طراحان در کنار شرایط فنی و اقتصادی جامعه است (یورماکا، ۱۳۹۱، ص ۱). در این قسمت پژوهش به توصیف روش های طراحی می- پردازیم که مفهوم مشترک آنها در طراحی نگرش به زمینه با ارزش شهری یا تاریخی بوده است.

زمینه گرایی

زمینه گرایی اولین بار توسط «توماس شوماخر»^۴ در سال ۱۹۷۱ و در مقاله «زمینه گرایی: آرمان های شهری و دگردیسی ها» استفاده شد. شوماخر این اصطلاح را در مورد نظریات رو و کوتر در مقاله شهرچهل تکه به کاربرد (نسبیت، ۱۳۸۷، ص ۷۸). او زمینه گرایی را به عنوان عامل واسطه وابسته به بستر تعریف می کند که دو مفهوم متضاد را با هم آشتی می دهد (Schumacher, 1970: 359).



رسانه ای «هانس هولاین» در وین، یکی از نمونه های بسیار مشخص زمینه گرایشی است (شکل شماره ۱). این برج، طرح به هم کلاژ شده ای از اختلاط عناصر متنوع معماری است. به استثنای برجهای بلند شیشه ای، نمای ساختمان، بازخوانی از ساختمانهای همسایگی اش است که با احترام به رنگ، تناسبات و روزنه های آن طراحی شده است. از سویی تغییر دادن پوسته به هدف پوشاندن ساختمان است و از سویی دیگر «هولاین» جعبه شیشه های عجیب کجی را برای جلب توجه در گوشه ساختمان طراحی کرده است (یورماکا، ۱۳۹۱، ص ۱۱۸).



شکل ۱. برج رسانه ای، هانس هولاین؛ منبع: کتاب مقدماتی بر روشهای طراحی. کاوه بذرافکن

«استوارت کوهن»^۵، بعنوان یکی از معماران زمینه گرای معاصر در مقاله اش تحت عنوان زمینه فیزیکی / زمینه فرهنگی، درک خود از زمینه گرایشی را با رابرت ونچوری مقایسه می کند. از دیدگاه کوهن، ونچوری گرایش های معماری مرتبط با معنای تصاویر معماری سنتی و متعارف را نشان می دهد. وی بیان میکند که هر دو فلسفه طراحی برای غلبه بر محدودیت های معماری مدرن، که نتیجه ی ترد تصاویر معماری سنتی و همچنین شهرسازی سنتی است، تلاش می کنند که می تواند یک ایده از زمینه گرایشی فرهنگی تصور شود: زمینه گرایشی با استفاده از تصاویر معمارانه. بنابراین، کوهن مفاهیم معنایی در معماری را برای تقویت زمینه گرایشی به فلسفه طراحی چند وجهی برای هر دو پروژه های شهرسازی و معماری معرفی میکند (Stuart Cohen, 1974). کالین رو و فرد کوتر کانسپت معنای فرهنگی زمینه گرایشی را در سطح دیگری معرفی میکنند. آنها در کتاب اصلی خود بنام کلاژ شهر، شهر را به عنوان مکانی که در طول زمان توسط آرمان های فرهنگی و سیاسی شهروندان شکل یافته است، وصف می کنند. امروزه شکل فیزیکی شهر به واسطه «زمینه روانی-فرهنگی» جامعه و تاریخ آن درک می شود (Colin Rowe and Fred koetter, 1987). استیون هارت بطور خلاصه اینگونه بیان میکند که: «زمینه گرایشی تلاشی برای رسیدن به معماری و شهرسازی برگرفته از بستر طراحی است، جایی که در آن زمینه به هردو بعد مصنوع و فرهنگی فرم معنا می بخشد»^۶ (Steven Hurtt, ۱۹۸۷). استوارت کوهن بازتاب گسترده ی شرایط فرهنگی و سیاسی زمینه گرایشی در طراحی شهری را از نظر پیامد آن برای ساختمان های فردی تعیین می کند. فرم مناسب آنها که بازگو کننده ی میزان تطابق با محیط اطرافشان است، با توجه به موقعیت آنها نسبت به سلسله مراتب شهری و سازمانی محیط اطرافشان تعیین می شود. یک ساختمان مهم شهری ممکن است بیشتر از یک ساختمان خصوصی با اطرافش در تضاد باشد. در مقیاس شهری بسیاری از ساختمانهای خصوصی در میان پس زمینه ای از توده خاکستری فضاهای عمومی باعث برجسته کردن بناهای یادبود شهری می شوند (Stuart Cohen, 1987). برج

سنتی شکل داد (capon,1999:230).

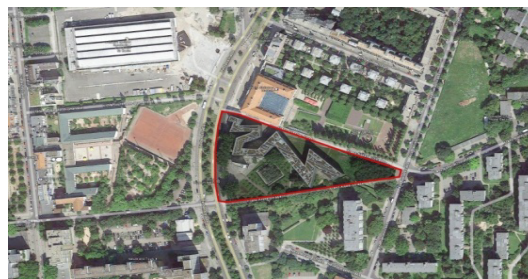
در منطقه گرایبی، معمار تلاش می کند که تا خود را با ویژگی هایی که تابعی از ویژگی های منطقه ای یا ملی استخراج شده محیط اطراف پروژه است، منطبق کند (تولائی، ۱۳۸۰، ص ۴). در بطن جنبش منطقه گرایبی، روش های ساختمانی محلی و متعارف با هدف تولید انواع بیشتر فرم ها، فهم و ادراک بهتر، بازگشت قویتر به سنت و برقراری یک تأثیر احساسی شدیدتر مدنظر بود (لامپونیانی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۸). در معماری منطقه گرا، ما تنها از جنبه زیبایی شناسانه به ساخت مایه و تکنیک های ساخت محلی توجه نمی کنیم. بلکه از این رو که سنت محلی اغلب مبتنی بر راه حل تجربه و آزمون است و برای موضوعاتی چون اقلیم، شرایط روشنایی، دما، رطوبت و سایر زمینه های در روند تاریخی، پایدار و بهینه شده است، می تواند بسیار مورد توجه قرار بگیرد. حسن فحی یکی از پیشگامان منطقه گرایبی بود.

با این روش، «آدولف لوس»^۲، کونر هاوس^۱ را در کوههای اتریش طراحی کرد (شکل شماره ۳). بدین صورت که دیوارها را از چوب تیره که برگرفته از معماری بومی منطقه بود، ساخت. این در حالی بود که به طور معمول اغلب طراحی هایش در بافتهای شهری اندودی سفید داشتند. «کنث فرامپتون»^{۱۱} در تحلیل خود، منطقه گرایبی انتقادی را متمرکز بر ویژگی های محلی می داند که در راستای مقاومت در برابر همسان سازی سرمایه داری مدرنیسم قرار گرفته است. که این طیف کلی، فرهنگ جهانی را واسازی می کند و میراث دار و در عین حال، منتقد تمدن جهانی می گردد (همان: ۱۱۵).



شکل ۳. کونرهاوس، آدولف لوس؛ مأخذ: کتاب مقدماتی بر روشهای طراحی. کاوه بذرافکن

توسعه موزه یهود «دانیل لیبسکیند» در برلین، نمونه ای از واکنشی ساختار شکنانه به زمینه است (شکل شماره ۲). اگرچه معمار، نقش هایی مشابه خطوط رعد و برق در طرح های اولیه اش به کار گرفته است، ولی می توانسته خانواده فرم هایش را از پروژه شکاف هنر زمینی «مایکل هیزر» یا از افسردگی های نه گانه «نوادا»، الهام گرفته باشد. در اینجا شکلی غامض، واکنشی به بستر اطراف پروژه است که به صورتی مشخص، موزه قدیمی، باروکی است و موزه جدید به عنوان توسعه آن دیده می شود. در هنر باروک اغلب تاکید بر سازماندهی های قطری و شعاعی است. بر این مبنا «لیبسکیند» ساختمان پرپیچ و خم را به گونه ای ساخت که بسیاری از جداره هایش به سمت مرکز نمای اصلی حیاط متقارب شده است و باغ «ای.تی.ای»^۷ در این طرح نیز، دارای همان ابعاد ساختمان قدیمی روبروی موزه است (یورماکا، ۱۳۹۱، ص ۱۲۰).



شکل ۲. توسعه موزه برلین، دانیل لیبسکیند؛ مأخذ: www.freewebs.com

منطقه گرایبی

منطقه گرایبی^۸ در اوایل سال ۱۹۲۵ توسط لوییس مامفورد به کار رفت ولی عقاید پیرامون این لفظ و معنی آن چیز تازه ای نیست. مثلاً واگنر نزدیک به پایان قرن نوزدهم نوشت: معماران در کشورهای مختلف اشکال با معانی مختلف را در بیان «مراکز نیوغ» به کار بردند. عنصر ملی در هنر به طور طبیعی وارد کار خواهد شد. با توجه به شباهت حالات بیان و سبک های زندگی (حالات زندگی) در کشورهای متمدن، این اختلافات هرگز بزرگ نبوده و عمده تحت تأثیر شرایط جغرافیایی و اقلیمی اند و ما می توانیم فناوری کنونی را به آن اضافه کنیم چیزی که برای اولین بار به معماری عامیانه

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

هم در گره چینی های چوبی بسیار ظریف پنجره ها می توان دید. در پنجره گوشه های اصلی بنا از قوس های جناغی که در معماری قاجار و پیش از آن مرسوم بوده، استفاده شده است. تزئینات نئوکلاسیک اروپایی فقط در چند فضای داخلی به کار رفته است. در حیاط جنوب غربی ساختمان که بدنه های آن با شیوه ای متفاوت، تماماً با سیمان پوشانده شده است، عناصر تزئینی به چشم نمی خورد و در واقع بیشتر تحت تأثیر جریان های مدرن آن روزگار قرار دارد (بانی مسعود، ۱۳۸۸، ص ۲۱۴).

۲-۴- موزه هنرهای معاصر

موزه های هنرهای معاصر یکی از موزه های شهر تهران است که در ضلع غربی پارک لاله در زمینی به مساحت شانزده هزار مترمربع بین سالهای ۱۳۴۶-۵۶ بنا شد. طرح پروژه تلفیقی از معماری مدرن، سنت و اندیشه ی فلسفی است و نیازهای جامعه ی شهری مدرن و اثر متقابل انسان برای او در طراحی پروژه مهم است. در معماری موزه ی هنرهای معاصر تهران معماری مدرن با سنت های آشنای بومی ترکیب شده است. البته در این بنا «از فرمهای معماری تاریخی استفاده ی طرفاً صوری شده است. مثل ... فرم بادگیر که در طرح آنها به کار رفته، اما استفاده کارکردی تهویه از آن صورت نمیگیرد.» (حسینی، ۱۳۹۰، ص ۲۲). بنای موزه به صورت مجموعه ای از احجام کم ارتفاعی طراحی شده است که نسبت به خیابان اصلی به اندازه ۴۵ درجه چرخیده است. برفراز این احجام چرخیده، نورگیرهایی هم شکل واقع شده اند که به چز چهار نورگیر فراز ورودی، همگی رو به روی شمال شرق قرار دارند (حاجی قاسمی، ۱۳۸۷، ص ۵۶). در ساختمان موزه از عناصر معماری سنتی ایران از جمله: هشتی، چهارسو، معبر، گذرگاه و مفاهیم فلسفی الهام گرفته شده است. «شکل نورگیرها یادآور بادگیرها در شهرهای سنتی است. فرورفتن تدریجی ساختمان در دل زمین... و به تبع آن، بالا و پائین رفتن احجام بیرونی و نورگیرهای متعدد آنها، سیمای بیرونی ساختمان را به مجموعه ای از بناها در شهرهای سنتی، یا به عبارتی به یک «بافت سنتی» شبیه میسازد. مصالح نمای ساختمان و نحوه ی ترکیب بندی آنها هم در ایجاد سیمای

خانه هایی که «ماریو بوتتا» در سوئیس در سالهای دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی طراحی کرد، می توان به عنوان نمونه هایی از منطقه گرایبی انتقادی دانست (شکل شماره ۴). بوتتا به عنوان شاگرد کوربوزیه، هندسه انتزاعی و ساده مدرنیستی را بکار گرفت ولی آنها را با استفاده از رنگ و مصالح محلی به سنت ساختمانهای محلی متصل کرد. بنابراین بسیاری از خانه هایش بازخوانی از دیوارهای نواری متداول منطقه است (یورماکا، ۱۳۹۱، ص ۱۱۶).



شکل ۴. خانه های روستایی ماریو بوتتا؛ مأخذ: کتاب مقدماتی بر روشهای طراحی. کاوه بذرافکن

توصیف بناهای مورد نظر

کاخ شهربانی

بزرگترین طراحی که به سبک ملی^{۲۱} اجرا شد، کاخ شهربانی در میدان مشق در تهران است. ساخت ساختمان کاخ شهربانی در اوایل سال ۱۳۱۱ خورشیدی شروع و در سال ۱۳۱۶ خورشیدی به اتمام رسیده است. این ساختمان با مساحتی حدوداً بیست و دو هزار مترمربع ساخته شده است. این بنا توسط قلیچ باغلیان طراحی گردید و نظارت فنی آن با مهندس علیخان بود (قبادیان، ۱۳۹۲، ص ۱۸۹). ورودی اصلی باشکوه ترین قسمت بناست، و با الگوبرداری از پله ها و ستون و سرستون های تخت جمشید طراحی و ساخته شده است. ستون ها، سرستون ها، تزئینات دور پنجره ها، ازاره و کنگره های این بنا که بهترین نمونه سبک ملی است، همه با استفاده از عناصر تزئینی کاخ های تخت جمشید طراحی و ساخته شده اند. اما نکته مهم استفاده گسترده از سیمان به عنوان مصالح اصلی تزئینات است. ردپای معماری دوره قاجار را

ملت، بین سالهای ۸۷-۱۳۸۲ طراحی و اجرا شده است. «سازماندهی فضایی پروژه با توجه به فرم کشیده و محدود زمین و امکان ایجاد دو سالن نمایش در روی زمین و دو سالن دیگر در زیرزمین، به گونه ای تنظیم شده که معماری با برنامه و سازه پروژه ی پروژه هماهنگ و با طبیعت زیبای محیط تلفیق شود (رئیس، ۱۳۹۲، ص ۱۸۹). کشیدگی و انحنای فرم پروژه و وجود مقاطع متغیر عرضی ناشی از آن، امکان طرح شیپراهه های نرم و موج را در طول پروژه و جبهه شمالی مهیا کرد. بنابراین همانند پیاده روها و مسیرهای توپولوژیک درون پارک فضای حرکتی پروژه احساسی از تداوم فضای پارک را در درون پروژه ایجاد میکند و مناظر بدیعی را در حین حرکت فراهم میکند.» (دانشمیر، ۱۳۸۷، ص ۳۰). سینما دارای پرسپکتیوهای متنوعی است و به محیط پیرامون خود بسیار نزدیک و حجمی روان و سیال دارد. در بنا از مصالح مدرن مانند: شیشه، بتن و فلز استفاده شده است (رئیس، ۱۳۹۲، ص ۱۹۰).

سنتی بی تأثیر نیست.» (حاجی قاسمی، ۱۳۸۷، ص ۶۰).

ساختمان مجلس شورای اسلامی

فکر احداث بنای جدید مجلس شورای اسلامی ملی از سالهای ۵۳-۵۲ مطرح شد. خواسته اصلی این بود که طرح نباید جلوی ساختمان کمیسیونها را بگیرد. یک راه حل فرو رفتن در عمق بود. فرو رفتن در عمق برای پروژههای دیگر عیبی نداشت. ولی برای مجلس که باید بنایی نمادین باشد راه حل مناسبی نبود. به نظر ما فرم مثلث راه حل خوبی بود. هم فرم پایداری است. هم سه قوه را تداعی می کند و هم یک هندسه قابل بسط در همه جهات است. راس مثلث روی ساختمان مرتفع اداری قرار می گیرد و هر چه به طرف ساختمان کوتاه کمیسیونها می آیم دو بال آن باز می شود. ابتدا قرار بود نما شیشه ای باشد که خیلی با اعتراض مواجه شد مخصوصاً که بنا به شکل هرم بود گفته می شد که چنین هرمی در لوور ساخته شده در حالی که اولاً پروژه ما هرم نیست، به هرم شباهت دارد؛ ثانیاً زمانی که این پروژه اول بار طراحی شد. هنوز هرم شیشه ای لوور ساخته نشده بود. به هر حال آن وقتها شروع این گونه معماریها بود. شیشه داشت در معماری به صورتی اساسی مطرح می شد. خلاصه، یک سال و نیم دو سال در این باره بحث شد و بالاخره سنگ انتخاب شد. چنین حجم عظیمی از بیرون اصلاً محسوس نیست. وقتی از بهارستان به آن نگاه می کنید بنای غول پیکری به نظرتان نمی آید. «این معماری با محیطش هماهنگ است. حجم و فرم کاملاً شاخص و متمایز است. هرم فقط مال مصر نیست. تصویری است در ذهن هر کسی از وحدت و خلاصه شدن فرم در مثلث شکل می گیرد. از لحاظ سه عامل حجم، رنگ و طرز قرارگیری بین دو ساختمان این پروژه نمادین است و اضافه می کنم به اینها معماری درونگرای ایرانی را بدون هیچ تظاهر خارجی مگر شکل و ارتفاع نمادین آن» (ذکایی، ۱۳۸۱، صص ۶۸-۷۵).

پردیس سینمایی ملت

پردیس سینمایی ملت در زمینی به مساحت شش هزار مترمربع در منتهی الیه جنوب غربی پارک



جدول ۲. دستهبندی و توصیف معیارهای زمین‌گرایی؛
 مأخذ: Soosani,2013& Tiesdell,2003& Brolin,1980

معیار طراحی	زمینه گرایی
جنبه فضایی	حجم
	موقعیت
	ارتفاع
جنبه بصری	عقب نشینی
	جهت گیری
	ریتم
	تناسب
	ساختمایه و رنگ
	مقیاس
	جزئیات

جدول ۳. دسته بندی و توصیف معیارهای منطقه گرایی؛ مأخذ: لامپونانی،
 ۱۳۸۶ و یورماکا، ۱۳۹۱ و Capon,1999 و نگارنده

معیارهای منطقه - گرایی	تعاریف
مصالح بومی	استفاده از مصالح بوم آورد و مصالحی همچون آجر، کاه گل و ... که در معماری گذشته ایران بر اساس اقلیم منطقه به وفور استفاده شده است.
ساخت بومی	تکنولوژی ساخت بناهای گذشته ایران که بر اساس مصالح موجود به وجود آمده است مانند تکنولوژی ساخت گنبد، طاق و ...
دارای عناصر منطقه ای یا ملی در معماری	استفاده از کهن الگوهای معماری که بر اساس شرایط اقلیمی و تکنولوژی ساخت در گذشته معماری ایران تکرار شده اند.
همساز با اقلیم منطقه	شکل گیری فرمی بنا بر اساس شرایط خاص اقلیمی هر منطقه.
هندسه و تناسبات معماری بومی	استفاده از هندسه و تناسبات پرتکراری که بر اساس هنر ایرانی در پلان و نمای بناها دیده شده است.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
 Urban Management
 شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
 No.48 Autumn 2017

۳۳۵

۵- تجزیه و تحلیل داده ها

عنوان: معماری زمینه گرا: سازگاری ساختمان های جدید با قدیم، عنوان میکند که باید ساختارهای جدید به عناصر معماری موجود در محیط ساخت احترام بگذارند این عناصر معماری عبارتند از: عقب-نشینی، ارتفاع، ساخت مایه، تناسب، ریتم، جهت گیری، مقیاس و جزئیات. بنابراین با این تعاریف رویکرد مهم در زمینه گرای و منطقه گرای رعایت تناسب و سازگاری در معیارهای جدید بین ساختار جدید و قدیم است (Soosani,2013:43).

احساس مسئولیت نسبت به گذشته، حال و آینده جنبه های مهمی از شکل دادن به یک محیط هستند. بنابراین، معماری میان افزا باید به گذشته، حال و آینده محیط تاریخی پیوند بخورد. تقریباً ۴۰ سال پیش بحث «زمینه گرای» در سخنرانی ها به عنوان نیاز به سازگاری و محافظت از محیط های تاریخی به تکرار بحث میشود. و بحث زمینه بین ساختمان جدید با قدیم به عنوان یک کانسپت معماری عنوان شد. در واقع، لازم است که معماری معاصر نسبت به زمینه اش حساسیت بیشتری داشته باشد که این همان کانسپت زمینه گرای در طراحی است. برولین (۱۹۸۰) در کتابش با

جدول ۴. تحلیل بنای کاخ شهربانی بر اساس معیارهای زمینه گرای؛ مأخذ: نگارنده.

آنالیز ساختمان کاخ شهربانی میدان مشق		معیار طراحی	نتیجه آنالیز
		زمینه گرای / سازگاری	توجه آنالیز
		ضد زمینه گرای / ناسازگاری	
حجم	ساختار حجم این بنا متفاوت از ساختمان های اطراف است	○	
موقعیت	قرارگیری بنا طوری است که تا حدی دید مناسبی نسبت به سایر ساختمان ها وجود ندارد.	◐	
ارتفاع	متناسب با ارتفاع ساختمان های موجود در همسایگی این بنا نسبت به سایر ساختمان های اطراف آن در تمامی جهات عقب نشینی دارد.	●	
عقب نشینی	در قسمت ورودی ساختمان جهت گیری مناسبی نسبت به ساختمان های اطراف دارد.	●	
جهت گیری	ریتم مناسبی در تقسیم بندی نمای ساختمان و همچنین محل قرارگیری بازشوها با سایر ساختمان ها دارد.	●	
تناسب	ارتباط بصری مناسبی بین تناسبات این ساختمان با ساختمان های اطراف وجود دارد.	●	
ساخت مایه و رنگ	در رنگ و مصالح استفاده شده همخوانی لازم با ساختمان های اطراف وجود دارد.	●	
مقیاس	تا حدی مقیاس ساختمان با سوزهای اطراف همخوانی دارد	◐	
جزئیات	جزئیاتی مشابه نسبت به همسایگی ها	●	

خلاصه آنالیز: ۸ از ۱۰- ساختمان کاخ شهربانی نسبت به معیارهای طراحی زمینه گرای با بافت موجود همخوانی و سازگاری دارد.

جدول ۵. تحلیل بنای موزه هنرهای معاصر تهران بر اساس معیارهای زمینه‌گرایی؛ مأخذ: نگارنده.

آنالیز ساختمان موزه هنرهای معاصر، تهران-کامران دنیا		معیار طراحی
نتیجه آنالیز	زمینه‌گرایی / منطقه-گرایی ● ضد زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی ○	
 	تا حدی ساختار حجم متفاوت با سایت و پارک لاله است.	○
	قرارگیری بنا طوری است که تا حدی دید مناسبی نسبت به بافت اطراف وجود دارد.	●
	ارتفاع ساختمان با بافت اطراف آن هماهنگی دارد.	●
	این بنا نسبت به خیابان و پارک موجود در سایت عقب‌نشینی مناسبی دارد.	●
	در قسمت ورودی ساختمان جهت‌گیری مناسبی نسبت به بافت مورد نظر وجود دارد.	●
	ریتم مناسب در حجم و پیوستگی در فرم باعث دید مناسب نسبت به بنا از خیابان شده است. تا حدی ریتم بنا متفاوت با بافت است.	○
	ارتباط بصری مناسبی بین تناسبات این ساختمان با بافت اطراف وجود ندارد، ولی از لحاظ منطقه‌گرایی فرم این بنا یادآور کهن‌الگوهای معماری ایران است.	○
	در رنگ و مصالح استفاده شده هم‌خوانی لازم با بافت اطراف وجود ندارد.	○
	تا حدی مقیاس ساختمان با سوزه‌های اطراف هم‌خوانی دارد.	○
	جزئیات برگرفته از بافت اطراف نیست.	○
حجم		
موقعیت		
ارتفاع		
عقب‌نشینی		
جهت‌گیری		
ریتم		
تناسب		
ساختمایه و رنگ		
مقیاس		
جزئیات		

خلاصه آنالیز: ۶ از ۱۰- بنای موزه هنرهای معاصر تهران نسبت به معیارهای طراحی زمینه‌گرایی با بافت موجود همخوانی و سازگاری دارد.

جدول ۶. تحلیل بنای مجلس شورای اسلامی بهارستان بر اساس معیارهای زمینه‌گرایی؛ مأخذ: نگارنده

آنالیز ساختمان مجلس شورای اسلامی بهارستان ۱۳۸۰		معیار طراحی
نتیجه آنالیز	زمینه‌گرایی / سازگاری ● ضد زمینه‌گرایی / ناسازگار ○	
 	ساختار حجم این بنا متفاوت از ساختمان‌های اطراف است.	○
	قرارگیری بنا طوری است که دید نسبی نسبت به سایر ساختمان‌ها وجود دارد.	●
	متناسب با ارتفاع ساختمان‌های موجود در همسایگی	●
	فرم ساختمان طوری است که در همه جهات از لحاظ بصری عقب‌نشینی دارد.	●
	قسمت ورودی ساختمان متفاوت با ساختمان‌های اطراف است.	○
	در نمای قسمت پائینی حجم ریتم مشابهی با ساختمان‌های اطراف وجود دارد ولی در قسمت فوقانی حجم اینطور نیست.	○
	ارتباط بصری بین تناسبات این ساختمان با ساختمان‌های اطراف وجود ندارد.	○
	در رنگ و مصالح استفاده شده متفاوت با ساختمان‌های اطراف هست.	○
	تا حدی مقیاس ساختمان با سوزه‌های اطراف هم‌خوانی دارد.	○
	جزئیاتی متفاوت نسبت به همسایگی‌ها	○
حجم		
موقعیت		
ارتفاع		
عقب‌نشینی		
جهت‌گیری		
ریتم		
تناسب		
ساختمایه و رنگ		
مقیاس		
جزئیات		

خلاصه آنالیز: ۴ از ۱۰- ساختمان مجلس شورای اسلامی نسبت به معیارهای طراحی زمینه‌گرایی با بافت موجود همخوانی و سازگاری ندارد.

جدول ۷. تحلیل بنای سینما پردیس ملت تهران بر اساس معیارهای زمینه گرایی؛ مأخذ: نگارنده

آنالیز ساختمان پردیس سینمایی ملت		
معیار طراحی	زمینه گرایی / سازگاری ● ضد زمینه گرایی / ناسازگاری ○	نتیجه آنالیز
حجم	○	ساختار حجم این بنا متفاوت از زمینه و بافت اطراف است
موقعیت	●	قرارگیری بنا طوری است که تا حدی دید مناسبی نسبت به بافت اطراف وجود دارد.
ارتفاع	○	تا حدی ارتفاع ساختمان با بافت هماهنگی دارد.
عقب نشینی	●	این بنا نسبت به اتوبان و پارک موجود در سایت عقب-نشینی مناسبی دارد.
جهت گیری	○	در قسمت ورودی ساختمان جهت گیری مناسبی نسبت به بافت مورد نظر وجود ندارد.
ریتم	●	ریتم مناسب در حجم و پیوستگی در فرم باعث دید مناسب نسبت به بنا از اتوبان و پارک شده است.
تناسب	○	ارتباط بصری مناسبی بین تناسبات این ساختمان با بافت اطراف وجود ندارد.
ساخت مایه و رنگ	○	در رنگ و مصالح استفاده شده همخوانی لازم با بافت اطراف وجود ندارد.
مقیاس	○	تا حدی مقیاس ساختمان با سوزه های اطراف همخوانی دارد
جزئیات	○	جزئیات برگرفته از بافت اطراف نیست.



خلاصه آنالیز: ۴ از ۱۰- ساختمان پردیس سینمایی ملت نسبت به معیارهای طراحی زمینه گرایی با بافت موجود هم خوانی و سازگاری ندارد.



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

جدول ۸. تحلیل نمونه های موردی پژوهش بر اساس معیارهای منطقه گرایی؛ مأخذ: نگارنده

معیارهای منطقه گرایی	کاخ شهریانی	موزه هنرهای معاصر	ساختمان مجلس	پردیس ملت
مصالح بومی	●	○	○	○
ساخت بومی	○	○	○	○
دارای عناصر منطقه ای یا ملی در معماری	●	●	○	○
همساز با اقلیم منطقه	○	●	○	○
هندسه و تناسبات معماری بومی	○	●	○	○
معیارهای منطقه گرایی	۴۰ (درصد)	۴۰ (درصد)	۰ (درصد)	۰ (درصد)

همانطور که در جدول ۸ (که بر اساس معیارهای منطقه گرایبی چون لامپونینی، یورماکا و کاپون است) مشاهده میشود بناهای کاخ شهرداری و موزه هنرهای معاصر دارای ۴۰ درصد منطقه گرایبی هستند، در صورتی که بناهای مجلس بهارستان و پردیس ملت منطقه گرا نیستند. برای صحت نتایج منطقه گرایبی جامع‌آماری انتخابی این پژوهش از جدول ۹ که دارای معیارهای منطقه گرایبی جامع تری است، استفاده شده است.

جدول ۹. تحلیل نمونه های موردی پژوهش بر اساس معیارهای معماری برای تحلیل بناها با رویکرد منطقه گرایبی؛ مأخذ: سعادتی خمسه، ۱۳۹۵ و نگارنده

شاخصه ها / نام بنا	پلان و حجم (درصد)	نظام گردشی (درصد)	ترتبات (درصد)	عناصر معماری (درصد)	مصالح و سازه (درصد)	منبع الهام (درصد)	میانگین منطقه گرایبی (درصد)
کاخ شهرداری (۱۳۱۶)	۳۰	۲۰	۱۰۰	۶۰	۵۰	۲۰	۴۶/۶۶
موزه هنرهای معاصر (۱۳۵۶)	۶۰	۱۰	۱۰	۴۰	۲۰	۱۰۰	۴۰
ساختمان مجلس (۱۳۸۰)	۰	۱۰	۱۰	۰	۰	۲۰	۰/۶۶
پردیس ملت (۱۳۸۷)	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
میانگین شاخص	۲۲/۵	۱۰	۳۰	۲۵	۱۷/۵	۳۵	



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

۳۳۹

نتیجه گیری و جمع بندی

نمودارهای ۲۰۱ مشاهده میشود درصدهای متفاوتی از رویکردهای زمینه گرایبی و منطقه گرایبی از بناهای مورد نظر استخراج شده است. به عنوان مثال ساختمان مجلس در بهارستان دارای ۴۰ درصد زمینه گرایبی نسبت به سایت پروژه است در صورتی که درصد زمینه گرایبی این پروژه کمتر از یک درصد است. (اثبات فرضیه اول)

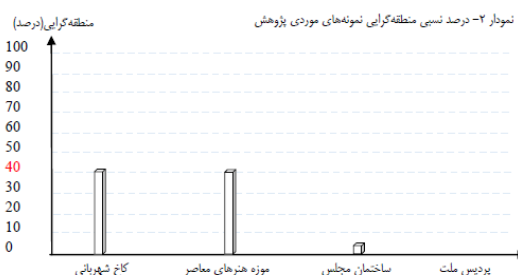
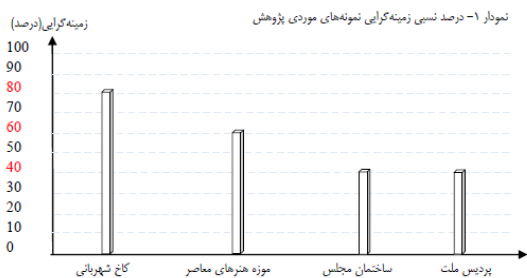
از نتایج دیگر این پژوهش واکنش متفاوت این بناها به سایت از لحاظ زمینه گرایبی و منطقه گرایبی است. در جداول بخش تجزیه و تحلیل و نمودارهای ۲۰۱ میتوان مشاهده کرد که بنای کاخ شهرداری بیشترین میزان زمینه گرایبی و منطقه گرایبی را در این پژوهش دارد، در صورتی که بنای پردیس ملت دارای کمترین میزان زمینه گرایبی و همچنین نداشتن هیچکدام از شاخصهای منطقه گرایبی است. این بنا نشان از یک بنای کاملاً جدیدی دارد که هیچکدام

زمینه گرایبی به عنوان عاملی واسط بین معماری و زمینه، که می تواند دو مفهوم متضاد را با هم آشتی دهد و همچنین منطقه گرایبی به عنوان روشی که دیدگاه آن به زمینه به صورت منطقه ای و ملی است، کاربرد دارد. همانطور که در متن پژوهش اشاره شده، ایرادی که در پژوهشهای پیشین در این باب وجود دارد، تعریف و فهم یکسانی است که نسبت به مباحث زمینه گرایبی و منطقه گرایبی وجود دارد. در این پژوهش سعی شده است که مباحث و معیارهای زمینه گرایبی و منطقه گرایبی به صورت جداگانه ای تعریف شوند، و بر روی جامعه آماری انتخاب شده توسط پژوهشگر آزمایش شوند. از نتایج برگرفته شده از این آزمایش میتوان این استنتاج را کرد، که یک بنای مشخص واکنش-های متفاوتی به زمینه بر اساس رویکردهای زمینه گرایبی و منطقه گرایبی می دهند. همانطور که در

جدیدتر زمینه گرایبی و منطقه گرایبی کمتر. (اثبات فرضیه دوم)

از افق های تحقیقاتی که برای ادامه و توسعه این تحقیق وجود دارد می توان به رابطه بین ارزشمندی زمینه و فرم گرایبی طرح در جامعه آماری مشخص شده اشاره کرد.

از معیارهای منطقه گرایبی معماری ایرانی مانند: منبع الهام، هندسه و تناسبات، پلان و حجم و ... در بنای پردیس ملت وجود ندارد. نکته دیگر که می توان در این بخش به آن اشاره کرد این است که میزان زمینه گرایبی و منطقه گرایبی بناهای انتخاب شده رابطه معکوسی با زمان ساخت آنها دارد. بنای قدیمی تر زمینه گرایبی و منطقه گرایبی بیشتر- بنای



منابع و ماخذ

- ۱- بانی مسعود، امیر (۱۳۸۸)، معماری معاصر ایران (در تکاپوی بین سنت و مدرنیته)، تهران: نشر هنر معماری قرن.
- ۲- تولائی، نوین، (۱۳۸۰)، زمینه گرایبی در شهرسازی، هنرهای زیبا، ش ۱۰، ص ۴.
- ۳- حاجیقاسمی، کامبیز (مهندسین مشاور نقش) (۱۳۸۷) نقد آثاری از معماری معاصر ایران، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
- ۴- حسینی، اکرم (۱۳۹۰)، تبیین و تدوین گرایشهای معماری معاصر ایران پس از انقلاب اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی هویت شهر، شماره ۸، بهار و تابستان.
- ۵- دانشمیر، رضا (۱۳۸۷)، معرفی پردیس سینمایی ملت دو ماهنامه معماری شماره ۵۲.
- ۶- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، محل نشر: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۷- رئیسی، ایمان (۱۳۹۲) نقد بازی: جستارهای نقد معماری/ به کوشش ایمان رئیسی، مشهد: کتابکده کسری.
- ۸- ذکایی، عبدالرضا (۱۳۸۱)، ساختمان جدید مجلس شورای اسلامی، فصلنامه ی معمار، شماره ۱۸، پائیز ۱۳۸۱، صفحه ی ۶۸-۷۵.
- ۹- قبادیان، وحید (۱۳۹۲)، سبک شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران، تهران: علم معمار رویال.
- ۱۰- گالپین، ریچارد، (۱۳۸۳)، اثرزدایی در هنر، ویرانسازی، شالوده شکنی و پالیپسست، ترجمه فتاح محمدی، رایانه معماری و ساختمان، ش ۳، ص ۳۴.
- ۱۱- گوران، فرهاد و احمد زهادی، (۱۳۸۳)، پالیپسست: شهر سوخته، رایانه معماری و ساختمان، ش ۳، ص ۲.
- ۱۲- مونتو، رافائل، (۱۳۹۰)، اشتیاق تئوریک
- و استراژی های طراحی در آثار هشت معمار معاصر، ترجمه ایمان رئیسی و حسام عشقی صنعتی، مشهد: کتابکده کسری.
- ۱۳- نبوی، افروز، (۱۳۸۳)، نشانه هایی از پالیپسست، رایانه معماری و ساختمان، ش ۳، ص ۵۶.
- ۱۴- نسبیت، کیت، (۱۳۸۶)، نظریه های پسامدرن در معماری، ترجمه و تدوین محمد رضا شیرازی، تهران: نی.
- ۱۵- یورماکا، کاری، (۱۳۹۱)، مقدماتی بر روش های طراحی معماری، ترجمه کاوه بذرافکن، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد تهران مرکزی.
- 16- Capon, David Smith(1999), *Le Corbusier's Legacy*, published by John Wiley and Sons, England.
- 17-
- 18- Porter, Tom(2005), *ARCHISPEAK An illustrated guide to architectural terms*, published in the Taylor & Francis e-Library.
- 19- Lee, Du Hyun(2013), *Combining space syntax and shape grammar to investigate architectural style*, Seoul: Sejong university.
- 20- Soosani, Leila(2013), *Questioning the compatibility of the infill Architecture in Historic Environment*, Case study: Walled city of Nicosia, Eastern Mediterranean University July 2013.
- 21- Tepavcevic, Bojan(2012), *SHAPE GRAMMAR IN CONTEMPORARY ARCHITECTURAL THEORY AND DESIGN*, FACTA UNIVERSITATIS.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

۳۴۱

(setondnE)

- Kari Jormakka 1
- Brent C Brolin 2
- Heinz Wetzel 3
- Thomas Schumacher, "Contextualism: 4 Ueban Ideals and Deformations". Casabella 359-360, 1970
- Stuart Cohen 5
- Steven Hurtt, Contextualism of 6 paradigms, politics and poetry". Inland Architect, sep./oct.1987
- E.T.A 7
- regionalism 8
- Adolf Loos 9
- Khuner House 10
- Kenneth Frampton 11

12 ویژگی های سبک ملی:

۱- نماها با ارتفاع زیاد و الهام از کاخ ها و نمادهای عصر هخامنشی و ساسانی- شیوه پارسی و پارتی
 ۲- پلان به صورت برونگرا به تبعیت از ساختمان های نئوکلاسیک و مدرن در غرب ۳- تقارن در پلان و نما، ورودی در وسط ساختمان ۴- ایوان های وسیع، ستون های مرتفع، پلکان عریض در محور ورودی ساختمان و بازشوهای بزرگ و مرتفع ۵- استفاده از مجسمه ها و حفاری های هخامنشی و ساسانی در نماهای ساختمان ۶- نماها بیانگر شکوه و عظمت تمدن ایران ۷- قوس ها شلجمی (سهمی) و نیم دایره ۸- استفاده از کنگره های سرتاسری بر لبه بام ها، ایوان ها و پله ها ۹- اجرای بدنه بنا و نما با استفاده از سنگ و یا آجر- به ندرت از سیمان ۱۰- بام ساختمان به صورت شیبدار با خریای چوبی و پوشش شیروانی ۱۱- سازه ساختمان با استفاده از دیوار باربر و گاه تیروستون ۱۲- تیرها و ستون ها و نرده ها با استفاده از مصالح چوبی و یا فلزی ۱۳- در سبک ملی تلفیقی، نمادهای سبک ملی با شیوه اصفهانی و یا سبک نئوکلاسیک و آرت دکو تلفیق شده است (قبادیان، ۱۳۹۲: ۱۹۸).

